

پیوستگی اجتماعی ، ورزش و معلولیت

محقق : دکتر رحمت آ... صدیق سروستانی ، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

در اکثر جوامع و از آن جمله جامعه ما به افراد معلول با کلیشه های منفی اشاره و اغلب با معلولین به عنوان افرادی فرودست رفتار شده و معلول را ناتوان می‌شمارند . شدت و فراوانی کلیشه های منفی نسبت به معلولین به حدی است که اغلب ، افراد معلول به پذیرش آن کلیشه ها تن درمی‌دهند و به گوشه گیری و ناتوانی منتسب به خود ، جامه عمل می‌پوشانند . نتیجه همه این فعل و انفعالات این است که معلولین نیز همچون سایر گروه‌های اقلیت در مدارس ، مناطق مسکونی ، آسایشگاه‌ها و سایر دستگاه‌ها و همچنین در ارتباطات جمعی و گروهی خود ، جدا و منزوی می‌شوند .

این انزوا و جداسازی و جدایی‌گزینی ، فاصله اجتماعی بین معلولین و افراد غیر معلول جامعه را زیادتر می‌کند . به همین دلیل معلولین فرصت کمتری برای اختلاط و ارتباط با غیر معلولین و فرصت‌های محدودتری برای ابراز توانائی‌ها و ویژگی های مثبت و مهارت‌های خود در روند جاری جامعه پیدا می‌کنند .

جامعه‌شناسان همیشه در اندیشه ایجاد پیوستگی و یگانگی بین واحدهای کوچکتر اجتماعی و کل جامعه بوده اند . جامعه‌شناسی ورزش نیز مدعی است که فعالیت‌های بدنی و ورزش حوزه‌ای است که معلولین می‌توانند در آن به دلیل توانمندی‌ها و نه معلولیت‌هایشان شناخته و معرفی شده و بدین ترتیب بین آنان و جامعه غیرمعلول پیوستگی و یگانگی اجتماعی ایجاد شود و ورزشکار موفق اما معلول، خود شاهدهی است بر رد کلیشه های منفی مردمی که معلولیت را با ناتوانی یکی می‌پندارند .

این تحقیق ارتباط بین ورزش ، پیوستگی و یگانگی اجتماعی معلولین در ورزش

قهرمانی کشور را مورد بررسی قرار داده است. با استفاده از روش بررسی و تکنیک های پرسشنامه و مصاحبه میزان پیوستگی اجتماعی را از طریق شاخص های مهم آن برای دو گروه معلول ورزشکار و معلول غیرورزشکار اندازه گیری شده است.

داده های این تحقیق نشان می دهد که در مجموع، ورزشکاران معلول، پیوستگی اجتماعی قویتری داشته اند و روابط و پیوندهای اجتماعی ایشان و میزان یگانگی اجتماعی آنان بیشتر بوده است.

از مجموع آنچه در این تحقیق بدست آمده چنین نتیجه می شود که ورزش با همه مشکلاتی که به لحاظ سرمایه گذاری، کمبود و در پاره ای موارد نبود امکانات و تجهیزات و بخصوص فقدان نگاه و نگرش علمی به کلیت ورزش و برنامه ریزی درست و دقیق برای ورزش و ورزشکار در مملکت وجود دارد، بهر حال مایه حفظ و تقویت پیوندهای اجتماعی معلولین (چه در مجموع و یادر اجزاء و شاخص های متعدد متنوع آن) با جامعه گردیده و پیوستگی و یگانگی اجتماعی آنان را (نسبت به گروه معلولین غیرورزشکار) افزایش داده است.

این خود نکته دقیق و ارزشمندی است که می توان در صورت برنامه ریزی سرمایه گذاری، و کاربرد علمی آن به بهره مندی های فراوان دست یافت و در جهت تقویت پیوندهای اجتماعی معلولین مورد استفاده قرارداد و بدینوسیله از توانمندی های قابل توجه اینگونه افراد در کلیه امور و به نحو مقتضی بهره برد و از هدر رفتن این توانایی ها و استعدادها که به دلیل عوارض جسمی و روحی عدم استفاده به سرعت تحلیل خواهد رفت، جلوگیری کرد.